**از صفا تا شأن؛ مجموعه مقالات خوشنویسی**

پدیدآور: علیرضا هاشمی‌نژاد

ناشر: مانوش

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷

مکان چاپ: کرمان

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: 2ـ26ـ8280ـ600ـ978

تعداد صفحات: ۳۵۶

### **خلاصه**

این کتاب که در واقع مجموعه‌ای از مقالات نگارنده است، تشکیل شده از 25 مقاله در حوزه‌های تاریخ خوشنویسی، مبانی نظری خوشنویسی، نقد آثار و نسخه‌شناسی، که در طول 20 سال گذشته در نشریات معتبر دانشگاهی، کنفرانس‌ها یا در قالب سخنرانی در مجامع هنری ارائه شده است.

در دنیای جدید دیگر نمی‌توان خوشنویسی را بر جایگاه آرمانی آن در دوره‌های تیموری و صفویی شناساند. خوشنویسی بخشی از زمینه‌های حضور خود را در جامعه پویایی هنری از دست داده است. ماهیت جامعه دستخوش تغییر شده است و تغییر تعریف خوشنویش و ضرورت خوشنویسی، در نسبت با دوره شکوه و جلال روزگار حاکمیت سنت و حیات این هنر هویت‌بخش، نیز اجتناب‌ناپذیر بود؛ زیرا مرجع رجوع هنر تغییر کرد. هنر که با ضرورت‌ها و کاربرد تعریف می‌شد و محمل اندیشه و نگرش نبود، با اندیشه و نگرش معنی پیدا کرد و خوشنویسی ظرف چنین مظروفی نبود و البته همه سنت‌های رایج هنری عصر پیشین چنین دگردیسی را تجربه کرده بودند. در فرم و معنی، نگارگری ایرانی در اواخر قرن یازده هجری چنین تحولی را تجربه کرده بود و دیگر هرگز احیا نشد، زیرا زمینه اتصال با سنت خود را از دست داد. خوشنویسی تا اوایل سده چهارده هجری ضرورت، قدر و منزلت خود را در نسبت با بستر فرهنگی و معنی قابل درک هنر حفظ می‌کند، اما از آن پس دوران افسوس است و آنچه می‌ماند صورت است. و تکرار صورت فاقد معنی است که ماهیت خوشنویسی را تغییر می‌دهد. رشد و حیات همراه با تحول در هر هنری در دورانی تجریه می‌شود که هنر معنی خود را از جان جامعه بگیرد و خوشنویسی در اواخر قاجار دچار این گسست می‌شود و حیاتش متکی به خاطره است و در طبقه‌بندی هنرها به درستی در هنرهای سنتی جای می‌گیرد، هنرهایی که در تحلیلی فلسفی فنون و صنایعی بودند که اگر مبانی زیبایی‌شناسی آنها که ماهیت آنها را معنی می‌بخشد در جامعه ساری و جاری نباشد محکوم به افول‌اند.

امروزه این‌گونه هنرها مانند جویباری به دور از هیاهوی متن جامعه حیات دارند. این جویبار لطفی دارد اما مرکز توجه نیست، شدت و ضعفش کسی را نگران نمی‌کند. خاطره‌ای است قومی که بی‌تردید نگران از دست دادنش هستیم؛ بنابراین با اندیشه احیا حیات دارند. این اندیشه تا جایی قوت می‌گیرد که پیروان هنر قابل فهم دوران، خوشنویسی را در قالب سنتی فاقد وجاهت دانسته و احیای آن را در معنی جدید هنر، در تلفیق با رنگ و فرم، جدای از متن جستجو می‌کنند؛ که بی‌تردید در امتداد حیات خطی این هنر ارجمند پیشین نیست. اما عکس‌العملی است معنی‌دار و گواهی است بر حقیقت تلخ پایان تاریخ خوشنویسی، این دوران خوشنویسان ویژه خود را تربیت می‌کند. توصیف این خوشنویسان بی‌تردید در جامعه خوشنویسی با سوءتفاهم همراه خواهد بود، اما ضرورت دارد، از آن جهت که فرصت شناخت و نقد واقعی مدتی است از هنر خوشنویسی سلب شده است و اساساً در مواجهه با پدیده‌ای که در قوت نیست و نگران جان کم رمقش هستیم، حیاتش هدف می‌شود و نه چگونگی آن، وضعیتی که خوشنویسی سده اخیر داشت. این شرایط، جامعه و خوشنویسان را از شناخت واقعی خوشنویسی دور کرد، از جمله مهم‌ترین دلایل نقد گریزی جامعه خوشنویسی در کنار دلایلی که ریشه در ماهیت فرمی خوشنویسی دارند ـ و در فرصت مناسب باید به آن پرداخت ـ نیز همین شرایط است.

در هر صورت برای برون‌رفت از این شرایط، شناخت خوشنویسی در قالب پژوهش‌های روشمند و هدفمند در همه ابعاد ضروری است. بی‌تردید در پی این شناخت است که نقد راهبردی در فضای خوشنویسی شکل می‌گیرد و تصور درست‌تری در اذهان ایجاد می‌شود.

از آنجا که این هنر گرانقدر، پس از ایجاد مراکز آموزشی هنر، هرگز در سیستم دانشگاهی به عنوان موضوع مستقل وارد نگردید و آموزش و ترویج آن از طریق انجمن خوشنویسان هدایت شد و تحت تأثیر شدید سلطه آموزش سنتی و عملگرا، سنت رویکرد شناختی مبتنی بر پژوهش‌های آکادمیک در آن ایجاد نشد و چون در سیستم دانشگاهی هم حضور مستقل نداشت مورد توجه پژوهشگران دانشگاهی نیز قرار نگرفت. البته آثار مهمی پیرامون تاریخ خوشنویسی تا پیش از دهه 70 شمسی در ایران تالیف گردید، که به نظر می‌رسد در تداوم سنت تذکره‌نویسی است، اما متأثر از آموزش مدرن، آثاری همچون «احوال و آثار خوشنویسان» و «اطلس خط» و ... که پیش از این درباره آنها سخن رفته است. اما در حوزه تحلیل زیبایی‌شناختی، سبک‌شناسی، تبیین مبانی نظری و شیوه‌های نقد خوشنویسی تا پیش از دهه 70 شمسی تالیفات مستقل و ارزشمندی انجام نپذیرفته است. و اساساً این‌گونه مفاهیم موضوع پژوهش نبوده‌اند.

بعد از انقلاب 1357، به دلیل تغییر رویکرد در هنر ایرانی و ایجاد برخی از رشته‌های هنری مانند صنایع دستی و هنر اسلامی و ... توجه به هنرهای ایرانی و اسلامی و همچنین رونق خوشنویسی، پژوهش در ابعاد گوناگون خوشنویسی به وسیله پژوهشگران مستقل و دانشگاهی نیز رونق گرفت، هر چند هنوز هم غلبه با سنت تاریخنگاری و تذکره‌نویسی است و از این رو کمبود پژوهش و ارائه نظر و تبیین ساختار تئوریک خوشنویسی همچنان آشکار و به شدت معطوف به پژوهش‌های غربیان است.

در این مورد بجز برخی دیدگاه‌های اهل فلسفه و سنت گرایان که بیشتر در نسبت با تعریف هنر اسلامی سعی در تحلیل ماهیت خوشنویسی داشتند و البته برخی صاحب‌نظران غربی هنر ایرانی و اسلامی، در ارتباط با سبک‌شناسی و تحلیل زیبایی‌شناختی و حتی علت‌های وجودی انواع خطوط در تاریخ خوشنویسی که به نوعی مباحث تاریخی قلم‌داد می‌شود، نیز تلاش‌های جدی را شاهد نبودیم. از این‌رو در جامعه خوشنویسی، دانسته‌ها درباره تاریخ خوشنویسی و سیر تحول خطوط از نوع باورند و نه دستاورد پژوهسی سنجش‌مند. بنابراین ضرورت بازنگری این باورها امری اجتناب‌ناپذیر است.

در همین راستا نویسنده پژوهش‌های خود را مبتنی بر روش‌های علمی از مبانی نظری آغاز کرده است و بعد به حوزه‌های تاریخ و سبک‌شناسی و نسخه‌شناسی گسترش داده است. در این پژوهش‌ها سعی بر شناخت فارغ از پیش‌داوری است، نویسنده خود را متعلق به نوعی شناخت مبتنی بر رویکردی ویژه نمی‌داند و سعی او بر این بوده است که در تحلیل از تحمیل درک امروزی بر مقتضیات زمانی پیش‌تر و یا تحلیل بر مبنای اثبات حقانیت رویکرد پرهیز کند. زیرا معتقد است هر دو روش آسیب‌هایی جدی بر شناخت وارد می‌کنند. بنابراین این کتاب که در واقع مجموعه‌ای از مقالات نگارنده است، تشکیل شده از 25 مقاله در حوزه‌های تاریخ خوشنویسی، مبانی نظری خوشنویسی، نقد آثار و نسخه‌شناسی، که در طول 20 سال گذشته در نشریات معتبر دانشگاهی، کنفرانس‌ها یا در قالب سخنرانی در مجامع هنری ارائه شده است.

موضوع برخی از مقالات این کتاب برای نخستین بار در حوزه مطالعات مربوط به خوشنویسی مطرح شده‌اند؛ از جمله زیبایی‌شناسی خوشنویسی و مطالعات مربوط به رابطه عرفان و خوشنویسی و سبک‌شناسی. همچنین در خصوص مطالعات مربوط به تاریخ خوشنویسی مقالات ارائه شده حاوی نکات تازه و متفاوتی هستند.

چند مقاله از مقالات مجموعه مروبط به نسخه‌شناسی است که با رویکردی متفاوت نگاشته شده‌‌اند. رویکردی که جایگاه نسخه را از منظر تأثیرگذاری در انواع سنتهای هنری که در تاریخ کتاب‌آرایی مژثر بوده‌اند می‌شناساند. و مقالات مربوط به مبانی نظری خوشنویسی با انگیزه شناخت و تبیین این موضوع در خوشنویسی نگاشته شده‌اند، زیرا معمولاً هر آنچه مربوط به تاریخ، تحلیل فرم و حتی سبک‌شناسی است به عنوان مبانی نظری خوشنویسی معرفی می‌شود که شایسته است. این مقالات از میان قریب 50 مقاله انتخاب شده‌اند و دو مقاله ضرورت درک مرثیه زیبایی و هنر در مثنوی به دلیل نقش که در توضییح مبانی نظری خوشنویسی دارند در این مجموعه قرار گرفته‌اند. برخی مقالات در ساختار دانشگاهی منتشر شده‌اند که آنها با چکیده است.

**فهرست مطالب کتاب:**

**پیش‌گفتار**

**\* بخش اول: مبانی نظری**

**درآمدی بر مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی**

**مبانی عرفان «صفا» و «شأن» در رسالۀ آداب المشق**

**تأثیر عرفان و تصوف در تحولات خوشنویسی ایرانی در قرن‌های هفت تا نه قمری**

**ضرورت درک مرتبۀ زیبایی در هنر اسلامی**

**دیدگاه مولانا دربارۀ هنر**

**خطاطی و عرفان**

**\* بخش دوم: تاریخ خوشنویسی**

**قرآن‌نویسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری قمری**

**نگاهی دیگر به تاریخ و علل پیدایش و تحول خط شکسته**

**معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق**

**میرزا کاظم‌خان رونق علی خوشنویس اواخر دورۀ قاجار**

**یاقوت مستعصمی و سبک‌شناسی قلم نسخ و معرفی سه نسخۀ جعلی منسوب به یاقوت**

**جایگاه احمد نجفی زنجانی در خوشنویسی معاصر**

**قلم رقعه**

**نگاهی نو به زندگی و آثار میرزا محمدحسین خان سیفی قزوینی (عماد الکتاب)**

**\* بخش سوم: نسخه‌شناسی**

**رُبعۀ قراختایی**

**معرفی قرآن شمارۀ 18 از گنجینۀ موزه و کتابخانۀ ملک تهران**

**گزارش نسخه‌شناسی کلیات اشعار مولاناالاعظم خواجوی کرمانی، نسخۀ موزۀ ملک، کتابت سال 750 هـ ق**

**معرفی مشهورترین نسخه از اشعار خواجوی کرمانی نسخه کتابخانۀ بریتانیا، کتابت 798هـ.ق**

**دربارۀ خط نسخۀ الابنیه عن حقایق الادویه**

**طوفان البکاء به همراه ملحقات (چاپ سنگی)**

**مشق خوش خیامی**

**\* بخش چهارم: نقد کتاب**

**قطّاعی و قطعه**

**کتاب‌شناسی خوشنویسی**

**دربارۀ کتاب احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی**

**افسانه‌ای دیگر دربارۀ میرعماد خوشنویس**

**آسیب‌شناسی نقد در خوشنویسی**

**دربارۀ وجه تسمیه و علل پیدایش خط نستعلیق**

**منابع**

**\* نمایه**